

دانشگاه الزهرا

دانشکده ادبیات، تاریخ و زبانها

پایاننامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ

عنوان

کارکردهای فرهنگی، اجتماعی نهاد وقف

در شیراز دوره قاجاریه

استاد راهنما

دکتر نزهت احمدی

استاد مشاور

آقای عمادالدین شیخالحمایی

دانشجو

فاطمه خلفی

اسفند ۱۳۸۹

چکیده

در این پژوهش به بررسی نهاد وقف و کارکردهای اجتماعی و فرهنگی آن در شیراز پرداخته شده است. در اینجا با بررسی وقفنامه‌های شهر شیراز در دوره‌ی قاجاریه به لحاظ کمی و کیفی تلاش شده است تا کارکرد اجتماعی موقوفات در این شهر و کارکرد و تأثیر فرهنگی و مذهبی آن و نیز تأثیراتی که موقوفات از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این شهر پذیرفته‌اند، مورد بررسی قرار گیرد. همچنین دگرگونی‌های احتمالی که در نهاد وقف در شیراز دوره‌ی قاجاریه رخ داده است نیز از دغدغه‌های این پژوهش می‌باشد.

نهاد وقف در شیراز از شرایط اجتماعی و اقتصادی شهر تأثیر پذیرفته، به طوریکه کمیت و کیفیت وقفنامه‌ها، جایگاه اجتماعی واقفان و موقوفات شهر این تأثیر را نشان می‌دهد. از سویی نهاد وقف با اختصاص سهمی از درآمد موقوفات به امور رفاهی و عام‌المنفعه مانند؛ امور بهداشتی، ساختن پل، آبانبار، کاروانسرا، حمام و غیره دارای کارکردهای اجتماعی بوده است و از سوی دیگر وقف بر مساجد و مدارس و مراسم مذهبی بیانکننده‌ی کارکرد فرهنگی این نهاد در شیراز دوره‌ی قاجاریه بوده است. هر چند در اواخر حکومت قاجاریه به ویژه بعد از مشروطیت نهاد وقف به دلیل عدم انطباق با اندیشه‌های نو و نظام آموزشی جدید پویایی و کارکرد گذشته‌ی خود را از دست داد و محدود به برپایی مراسم مذهبی و خیریه شده است.

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی می‌باشد. با مطالعه و بررسی منابع و پژوهش‌های تاریخی و اسناد موجود در بایگانی ادارهی اوقاف و امور خیریه‌ی شیراز؛ مطالب مورد نیاز گردآوری و سپس به تدوین و تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: نهاد، وقف، شیراز، دوره‌ی قاجاریه

به پاس تعبیر عظیم و انسانیشان از کلمهی ایثار و از خودگذشتگی.
به پاس عاطفه سرشار و گرمای امیدبخش وجودشان که در این سردترین روزگاران
بهترین پشتیبان است.
به پاس قلبهای بزرگشان که فریادرس است و سرگردانی و ترس در پناهِشان به
شجاعت می‌گراید.
و به پاس محبت‌های بیدریغشان که هرگز فروکش نمی‌کند.
این مجموعه را به پدر و مادر عزیزم تقدیم می‌کنم.

نهاد وقف یکی از نهادهای مستقلی است که به لحاظ تأثیری که بر ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و مذهبی بر جای گذاشته است از جایگاه ویژه‌ای در تاریخ ایران برخوردار می‌باشد. این نهاد دارای کارکردهای مختلفی از جمله اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. در این پژوهش تنها به کارکردهای اجتماعی و فرهنگی پرداخته می‌شود. وقف بر مساجد، مدارس و مراسم مذهبی از کارکردهای فرهنگی این نهاد و وقف بر امور رفاهی و بهداشتی و عام‌المنفعه مانند؛ ساختن پل، آبانبار، کاروانسرا و غیره از کارکردهای اجتماعی آن می‌باشد.

این پژوهش از پنج فصل تشکیل شده است. در فصل اول به کلیات پژوهش پرداخته می‌شود که شامل طرح مسئله، پرسشهای پژوهش، فرضیات پژوهش، نقد پیشینه‌ی پژوهش و نقد منابع و مآخذ می‌باشد. فصل دوم با عنوان کلیاتی در باب وقف، به بررسی تعریف لغوی و مفهومی وقف، شرایط وقف، وقف در فقه (شامل فقه امامیه، حنفیه، حنبلی، شافعی و مالکی)، وقف در قانون مدنی، انواع و ارکان وقف، وقف در قرآن و سنت، آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وقف و تعاریف بعضی از اصطلاحات وقفی (وقفنامه، متولی، حقالتولیه، ناظر موقوفه) پرداخته شده است. فصل سوم با عنوان اوقاف شیراز قبل از دوره‌ی قاجاریه به بررسی نهاد وقف در شیراز در دوره‌های مختلف تاریخی ایران می‌پردازد. این فصل با بررسی این نهاد در شیراز، از دوره‌ی باستان شروع و بعد وارد دوره‌ی اسلامی می‌شود که شامل دوره‌های (آل بویه، سلجوقیان، مغولان، تیموریان، صفویان و زندیان)، می‌باشد. فصل چهارم با عنوان اوقاف شیراز در دوره‌ی قاجاریه می‌باشد. در ابتدا مختصری از اوضاع کلی وقف در این دوره در کل کشور گفته شده و بعد به شهر شیراز پرداخته شده است. در این فصل ضمن بیان موقوفات شیراز این دوره شمه - هایی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دوره هم مورد توجه قرار گرفته است. فصل پنجم

با عنوان کارکردهای فرهنگی و اجتماعی نهاد وقف در شیراز دوره‌ی قاجاریه به بررسی این کارکردها در دو مقوله‌ی اجتماعی و فرهنگی به صورت جداگانه پرداخته شده است. کارکردهای فرهنگی شامل وقف بر مساجد، مدارس، حسینیه‌ها و مراسم مذهبی می‌باشد و کارکردهای اجتماعی به دو گروه بهداشتی و عمرانی تقسیم شده که عمرانی شامل؛ پل، راهها، آبنبار و بهداشتی شامل؛ بیمارستان، پرورشگاه و حمام می‌باشد. در پایان نتیجه‌گیری و فهرست منابع و مآخذ مورد استفاده در پژوهش و ضمائم که شامل جداول موقوفات شیراز در این دوره و چند سند وقفی می‌باشد، آمده است.

از آنجایی که منابع اصلی این پژوهش اسناد وقفی هستند و شیرازه اصلی پژوهش بر مبنای این اسناد می‌باشد دست یافتن به این اسناد در اولویت کار قرار داشت ولی متأسفانه اداره اوقاف و امور خیریه شیراز همکاری لازم را نداشتند و فقط تعداد محدودی از اسناد در اختیار نویسنده قرار گرفت و بخشی از نواقص کار به این مسئله برمیگردد.

در اینجا وظیفه‌ی خود میدانم، از استاد گرامی و ارجمند، سرکار خانم دکتر زهت احمدی که در تمام مراحل نگارش این پایاننامه با راهنمایی‌های خردمندانه‌ی خود مرا یاری کردند، مراتب تشکر و قدردانی خود را نسبت به وجود عزیزشان ابراز کنم. همچنین از مساعدتهای جناب آقای عمادالدین شیخالحمایی که مشاور این پایاننامه بودند صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

همچنین وظیفه‌ی خود میدانم از مسئولان محترم مؤسسه‌ی مطالعات معاصر تهران که با برخورداری خوششان موجب دلگرمی اینجانب شدند، کمال تشکر و قدردانی را نمایم. در پایان لازم است از خانوادگی عزیزم که در تمام مراحل تدوین این پایاننامه در کنارم بودند و با وجود مشکلاتی که برایم پیش آمد همیشه موجبات آرامش و دلگرمی اینجانب را فراهم کردند تشکر نمایم.

فصل اول

کلیات

۱-۲- طرح مسئله :

گذشتن از مال و جان برای اهداف معنوی و کمک به دیگران پیشینه‌های طولانی در تمدن بشری دارد. متون و کتیبه‌های پیش از اسلام اشاره‌های صریحی به ساخت اماکن مذهبی و عام‌المنفعه و نیز زمینها و باغهایی دارند، که درآمد آنها برای آتشکدهها صرف می‌شده است. علما وقف را از نهادهای تأسیس شده‌ی اسلام میدانند، اما به دلیل تطابق روح آن با اسلام این موضوع در دوره‌ی اسلامی نیز مورد تأیید قرار گرفته و بر انجام آن تأکید فراوان شده است. بنابراین در تمام ادوار تاریخی و در همهی مناطق میتوان نمونه‌های برجسته‌های از این سنت یافت، فارس نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. وجود مراکز و مدارس در فارس و شیراز از زمان آل بویه و بعد از آن گویای این مطلب میباشد. مسائل اجتماعی و نحوه‌ی نگرش حکومتها بر گرایش به وقف اموال و نظر واقف در مورد نحوه‌ی مصرف موقوفات تأثیر بسزایی داشته است.

در دوره‌ی صفویه با توجه به گرایش سردمداران حکومتی به تشیع، گرایش واقفین به ایجاد موقوفه جهت مساجد، بقاع متبرکه‌ی شیعه و مدارس علوم دینی اثنی عشری میباشد. در دوره - ی افشاریه به دلایل مختلف؛ از جمله سیاستهای نادرشاه و کم بودن دوران حکومت او، وقف کم رنگ میشود و حتی در این دوره مصادره‌ی موقوفات نیز دیده میشود. در دوره‌ی زندیه و با روی کار آمدن کریمخان شیراز آرامش نسبی برخوردار شد، اما به دلیل کوتاه بودن دوران زمامداری او توجه به موقوفات کم‌رنگ میباشد. در دوره‌ی قاجاریه گرایش به وقف اموال و املاک در فارس رو به گسترش نهاد و بنابر شواهد قسمت عمده‌ی مصارف موقوفات این دوره اطعام و تعزیه‌داری و روضه‌خوانی سیدالشهداء میباشد.

ایالت فارس در دوره‌ی قاجاریه به عنوان ایالتی پهن‌آور، ثروتمند و دارای موقعیت حساس سیاسی و اقتصادی بود. وسعت و اهمیت این ایالت به حدی بود که در عمده‌ی متون تاریخی این دوره آن را به عنوان مملکت فارس و حکمران آن را فرمانفرما مینامیدند.

زندگی مردم فارس در دوره‌ی قاجاریه و به ویژه در آستانه‌ی انقلاب مشروطیت آمیخته با رنج ناشی از بی‌نظمی، ناامنی، قحطی و خشکسالی، وقوع بلایای طبیعی چون سیل و زلزله و شیوع بیماری‌های مرگ‌آفرین بود. از سوی دیگر وجود سه اتحادیه‌ی ایلی قدرتمند خمسه، قشقایی و بختیاری در این محدوده‌ی سیاسی و تضادهای اجتماعی آنها، ستم عمال دولتی و خانواده‌های قدرتمند محلی، کشمکش‌های مداوم رقبای قدرت‌طلب و نفوذ و مداخله دول سلطه‌گر اروپایی که با عدم تسلط دولت مرکزی در ایالات به خصوص فارس تشدید میشد زندگی عامه‌ی مردم را سرشار از بدبختی، بیچارگی و سرخوردگی کرده بود.

در بین همه نابسامانی‌های اجتماعی، شیوع بیماری‌های واگیردار و مرگ دسته جمعی اهالی و اطفال بخشی از زندگی با درد و رنج مردم فارس در این دوران می‌باشد. بر پایه‌ی گزارشات در ربیع الثانی ۱۳۲۰ ه.ق در پی شیوع آبله در شیراز حدود چهارهزار کودک جان خود را از دست دادند.

گزارش‌های متعدد در خصوص ناامنی و راهزنی‌های منجر به قتل در جاده‌ها به حدی فراوان است که میتوان به سادگی نتیجه گرفت که ترس و وحشت دائمی بر زندگی مردم فارس در آستانه‌ی مشروطیت سایه افکنده بود. بدیهی است که ضعف نیروی نظامی، فقدان تسلط حکومت مرکزی، وسعت و پراکندگی ایالت و اهمال و بی‌توجهی عمال دولتی نابسامانی‌های اجتماعی را در این ایام پدید آورد. نقش پراهمیت فارس در مناسبات داخلی و خارجی به خصوص مجاورت آن با آبراه خلیج فارس و پیوند آن با جهان خارج و نقش آن در مبادلات و بازرگانی خارجی در عهد قاجار موقعیت خاصی به این ایالت بخشید.

عمده‌ی املاک کشاورزی این ایالت به مالکان بزرگ (خاندانهای محلی چون قوام) و تولید املاک وقفی معمولاً در اختیار علما و روحانیون مدارس و بقاع مذهبی بود و بخش قابل توجهی از املاک به عنوان خالصجات دولتی بود که در دوره‌ی ناصری و مظفری به دلیل کاهش درآمد و خالی شدن خزانه دولتی روند فروش و واگذاری آن به شاهزادگان و وابستگان دربار شروع شد. در زمینهای فرهنگی شیراز از دوره‌ی صفویه جایگاهی ممتاز در زمینهای تأسیس مدارس دینی، مراکز علمی و کتابخانهها در بین شهرهای دیگر پیدا کرد. هرچند اغتشاشها و ناامنی های دوران تسلط افغانها، افشاریه و زندیه تا بنای سلسله‌ی قاجاریه در فارس و به خصوص شیراز سبب فرار و مهاجرت علما و دانشمندان و رکود مدارس و مراکز علمی بود، ولی از آغاز مشروطیت به دلیل برقراری نظم نسبی، بزرگان در فارس اقدام به احیاء مدارس و کتابخانهها نمودند و زمینهای بیداری و آگاهی طبقات شهری فراهم شد. از مدارس معروف این زمان شیراز؛ مدرسهیخان، مدرسهیآقاباباخان، قوام و غیره بود که بنابر سنت قدیمی اداره و تولید این مدارس به عهده خاندانهای بزرگ شیراز سپرده میشد و جهت تامین مخارج آن املاک و مستغلاتی را بر آن مدارس وقف میکردند و درآمد املاک موقوفه صرف هزینههای طلاب و مدرسان مدارس میشد.

علاوه بر مدارس قدیم در خلال مشروطیت تأسیس مدارس جدید افزایش یافت. از اولین مدارس جدید در فارس مدرسهی سعادت (۱۳۱۷ ه ق) بوشهر است. بعدها در خلال مشروطه در شیراز مدارس مسعودیه، امامیه، شریعت و ملی برپا شد. به دلیل گستردگی محدودهی جغرافیایی این ایالت که شامل استانهای کنونی فارس، بوشهر، کهگیلویه و هرمزگان بوده است، در این پژوهش تنها شهر شیراز به دلیل این که در دورره‌ی قاجاریه مرکز اداری و سیاسی ایالت بوده و حکمران فارس و برخی از خوانین و مأموران دولتی و حتی برخی از شاهزادگان قاجاری در آنجا سکونت داشته‌اند انتخاب شده است.

این پژوهش بر آن است تا نهاد وقف در شیراز دوره‌ی قاجاریه را مورد بررسی قرار دهد، بنابراین از بین وقفنامه‌های موجود در ادارهی اوقاف استان فارس وقفنامه‌های شهر شیراز را جدا نموده و تلاش شده علاوه بر استخراج آگاهی‌های مرتبط با نهاد وقف، اطلاعات تاریخی، اجتماعی آن دوره را براساس این اسناد به دست آوریم. کثرت وقفنامه‌های استان فارس در این دوره، عدم وجود پژوهش جدی و اساسی در این حوزه و روشن نمودن بخشی از تاریخ محلی شیراز از دلایل پرداختن به این پژوهش بوده است.

وقف به منزله‌ی یکی از وجوه فقهی، علاوه بر اینکه از نظر اجتماعی و اقتصادی کارکردهای فراوان و مهمی در زندگی روزانه دارد از نظر ساختاری نیز نقش مهمی در شکلدهی به ساخت فضای شهرها داشته است و موجب ایجاد بسیاری از مظاهر معماری؛ چون مساجد، مدارس، کاروانسراها، آب انبارها، حمامها، پلها، بیمارستانها و سایر موسسات اجتماعی شده است که با رقبات درآمدزایی که بر آنها وقف شده، حفاظت و مرمت شده و باقی مانده‌اند. در جامعه‌ی ایران قشرهای مختلف جامعه از جمله دولتمردان، تاجران و بازاریان، زمینداران، روحانیون و سایر اقشار در امر وقف سهیم بوده‌اند. تعدادی از رقبات وقفی هم به بانوان مربوط می‌باشد که همپای مردان در فعالیتهای اجتماعی مشارکت داشته‌اند و اکثریت این بانوان از طبقات بالای جامعه بوده‌اند.

در این پژوهش با توجه به طولانی بودن دوره‌ی قاجاریه، این دوران به سه قسمت تقسیم شده است که عبارتند از:

۱- دوره‌ی اول از سال ۱۲۰۹ - ۱۲۶۴ ه.ق را شامل می‌شود که در این دوره‌ی ۵۴ ساله آقامحمدخان، فتحعلیشاه و محمدشاه قاجار حکومت کردند.

۲- دوره‌ی دوم از سال ۱۲۶۵ - ۱۳۱۳ ه.ق را شامل می‌شود که دوران ۴۹ ساله حکومت ناصرالدینشاه قاجار است و به دوران ناصری معروف می‌باشد.

۳- دوره‌ی سوم از سال ۱۳۱۴ - ۱۳۴۴ ه.ق را شامل می‌شود که دوران بعد از ناصرالدین‌شاه تا سقوط قاجاریه و روی کار آمدن پهلوی را شامل می‌شود.

در این پژوهش کارکردهای فرهنگی، اجتماعی نهاد وقف در شیراز در هر کدام از سه دوره تقسیم شده به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که در لابلای مطالب بخشهایی از مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منطقه نیز آورده می‌شود. بعد از اینکه سه دوره مورد بررسی قرار گرفت به مقایسه سه دوره پرداخته می‌شود و در نهایت تحلیلی کلی از روند نهاد وقف در شیراز دوره‌ی قاجاریه ارائه می‌گردد.

۱-۳- پرسشهای پژوهش :

۱- نهاد وقف چگونه بر تحولات فرهنگی و مذهبی شیراز دورهی قاجاریه تأثیر گذاشته است؟

۲- کارکردهای اجتماعی نهاد وقف در شیراز دورهی قاجاریه چگونه بوده است؟

۱-۴- فرضیات پژوهش :

۱- نهاد وقف با حمایت از مدارس و مساجد، موجب تداوم شعائر مذهبی شیعه در شیراز دورهی قاجاریه بوده است.

۲- وقف بر امور عام المنفعه، رفاهی و بهداشتی از کارکردهای اجتماعی نهاد وقف در شیراز دورهی قاجاریه بوده است.

۱-۵- تعریف واژگان:

نهاد (Institution)

در کتاب فرهنگ جامعه‌شناسی در تعریف نهاد آمده است:

" این اصطلاح به طور گسترده‌ای در توصیف آن قسمتی از اعمال اجتماعی به کار میرود که به طور منظم و مداوم تکرار میشوند و توسط ضوابط اجتماعی تجویز و حفظ میگردد و در ساختار اجتماعی اهمیتی عمده دارند."

در این کتاب نهادها به پنج دسته تقسیم شده است که مورد پنجم نهادهای فرهنگی نامیده شده است و با فعالیتهای مذهبی، علمی و هنری ارتباط دارند^۱.

جوزف روسک نهادها را انگاره‌های مستقلی برای رفع نیازهای متعدد انسانی دانسته که برخاسته از شیوه‌های قومی است. او دلیل پیدایش نهادهای مذهبی را حیرت و حرمتی که انسان به طبیعت و کائنات داشته و نیازی که بشر به برقراری ارتباط با قوای فوق طبیعی داشته، ذکر میکند. به طور کلی هر نهادی دارای کارکردی است اگرچه امکان دارد نهادی پایدار بماند

^۱ - نیکلاس آبرکرامبی - استفن هیل، فرهنگ جامعه‌شناسی، حسن پویان، بیجا، چاپخش، ۱۳۷۰، صص ۱۴۷-۱۴۶.

بدون آنکه کارکرد اولیه خود را به انجام برساند، اما در هر صورت به دلیل همبستگی نهاد و کارکرد، هرگونه تغییری در کارکرد به ایجاد نوعی تغییر در نهاد منجر میشود^۱.

وقف (Endowment)

اختصاص دادن منافع و درآمد ملک یا مستغلات برای مواردی مشخص.

کارکرد (Function)

کارکرد مجموعه عملیاتی است که از طریق آن یکی از اشکال ساختیافتهی حیات اجتماعی تجلی مییابد^۲.

روسک معتقد است در جریان دگرگونیهای اجتماعی شاهد انتقال کارکردهای یک نهاد به نهاد دیگر هستیم^۳.

منظور از کارکرد اجتماعی و فرهنگی نتایج تأثیرها و پیامدهای نهاد وقف و موقوفات در شیراز است.

۱-۶- اهداف پژوهش :

در این پژوهش هدف پرداختن به نهاد وقف در شیراز دورهی قاجاریه با تکیه بر وقفنامههای موجود در ادارهی اوقاف شیراز میباشد که تلاش میشود تأثیر نهاد وقف بر مسائل اجتماعی، فرهنگی و مذهبی این شهر را در دورهی مورد نظر بررسی نموده و به پرسشهای مطرح شده در پژوهش پاسخ داده شود. هدف دورتر پژوهش روشن کردن بخشی از تاریخ محلی شیراز بر اساس اسناد وقفی است.

^۱ - جوزف روسک، مقدمهای بر جامعهشناسی، ج.۲، بهروز نبوی - احمد کریمی، تهران، فروردین، ۲۵۳۵، صص ۱۴۷-۱۴۶.

^۲ - آل بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۳۵۷.

^۳ - مقدمهای بر جامعهشناسی، ص ۱۵۰.

۱-۷- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها :

در این پژوهش منابع اصلی وقفنامه‌ها هستند، به همین دلیل از بین وقفنامه‌های موجود در بایگانی ادارهی اوقاف استان فارس، وقفنامه‌های مربوط به شیراز را جدا نموده، در ابتدا اطلاعات مربوط به وقفنامه‌ها را استخراج کرده و از سوی دیگر هم منابع تاریخی را مطالعه و فیشبرداری نموده، بعد از انجام این کارها به تحلیل محتوا پرداخته و نتیجه‌های کلی از روند موقوفات در شیراز در دورهی مورد نظر ارائه شده است.

۱-۸- پیشینه‌ی پژوهش :

در مورد وقف و ساختار و عملکرد آن در فارس و حتی به صورت موردی بر موقوفات شیراز توسط برخی از پژوهشگران؛ از جمله آقای امید رضایی، عمادالدین شیخالحمایی و غیره کارهای پژوهشی کمی انجام شده است و این پژوهشها در واقع پیشینه‌های برای این پایاننامه میباشند. در زمینه‌ی وقف و موقوفات در ایران و تاریخ محلی فارس کتابها و مقالاتی نوشته شده است که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته و به بررسی نقاط قوت و ضعف آنها پرداخته شده است. مقالات متعددی در زمینه‌ی وقف و اوقاف در ایران و به طور موردی در شیراز در دوره‌های مختلف تاریخی نوشته شده و به چاپ رسیده است از آن جمله:

- امید رضایی، "سلسله شیخالاسلامیه‌ی تمامی شیراز پیشگام در ثبت نوشتجات شرعیه‌ی دورهی قاجار"، وقف میراث جاویدان، ش ۵۴، تابستان ۱۳۸۵.

حجم زیاد اسناد شرعی دورهی قاجاریه نشاندهنده گسترش نفوذ علما در آن دوره است ولی با این که این اسناد توسط علمای آن دوره تنظیم شده‌اند مورد خدشه و بیاعتنایی قرار گرفته - اند. چند علت برای این مسئله ذکر شده؛ از جمله نبودن دفترخانه‌ی اسناد رسمی و بایگانی نشدن اسناد در دورهی قاجاریه.

در این مقاله به بررسی یکی از اسناد (موقوفات حسینعلی میرزا فرمانفرما) که دو مرتبه مورد تعرض قرار گرفته پرداخته شده است.

- عبدالرسول خیراندیش، " حاج میرزا حسن فسایی، فارسنامه‌ی ناصری و مسئله اوقاف مدرس‌هی منصوریهی شیراز، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۳۹، دی ۱۳۷۹.
در این مقاله سعی شده تا زندگی مؤلف و چگونگی تألیف فارسنامه بطور همزمان طرح و تدوین گردد، همچنین به موقوفات غصب شدهی مؤلف در دورهی قاجاریه پرداخته شده است (موقوفاتی که بر مدرس‌هی منصوریه وقف کرده بود).

- زهرا حامدی، تربیت نسوان مدارس دخترانهی فارس در دوران قاجار و پهلوی اول "، مجله تاریخ، سال پنجم، ش ۴۸، شهریور ۱۳۸۵.

در این مقاله به این مطلب اشاره شده که مدارس دخترانهی دولتی و ملی در ایران بعد از مشروطه شکل گرفتند و با مقایسهی دورهی قاجاریه و پهلوی اول به این نتیجه رسیده است که تعداد مدارس دخترانه‌های که در عصر پهلوی اول ایجاد شدند در مقایسه با دورهی قاجاریه به رغم فضای سیاسی متفاوت رشد چندانی نداشت. در مجموع با توجه به فضای متفاوت سیاسی و اجتماعی دوره‌های قاجار و پهلوی اول در دورهی قاجار تحت تأثیر جریان مشروطیت اساس تأسیس مدارس دخترانه در فارس ریخته شد و در دورهی رضا شاه صرفاً همان روندی که از دوره‌های قبل پایه گذاری شده بود تداوم یافت.

- عبدالحسین نوایی، زهت احمدی، "ساختار نهاد وقف در عصر صفوی"، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال دوازدهم، ش ۴۳، پاییز ۱۳۸۱.

در این پژوهش پیشینهی نهاد وقف، اجزای تشکیل‌دهنده آن و نحوهی اداره‌ی آن در دورهی صفویه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

اما به طور کلی اغلب منابع رسالات و کتابهایی است که از دیدگاه حقوقی و شرعی به وقف پرداخته‌اند از این تحقیقات میتوان موارد زیر را ذکر کرد :

- ابو سعید احمد بن سلمان، مقدمه ای بر فرهنگ وقف، نشر صبا، تهران، ۱۳۵۸.

این کتاب گزارش تقریباً کاملی از احکام فقهی وقف است. ضمن ارائه، مطالب وقف را در کشورهای اسلامی بررسی نموده و گزارشی هم از موقوفات ایران ارائه داده است.

- مینودخت مصطفوی رجالی، وقف در ایران، بیجا، بیتا، ۱۳۵۸.

در این کتاب به نهاد وقف به طور کلی در ایران در قبل و بعد از اسلام پرداخته شده است و شرایط و ضوابط حاکم بر وقف و انواع آن را نام برده است.

- فریدون آدمیت، اندیشه‌ی ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۵.

در این کتاب به اندیشه‌های سپهسالار و اصلاحات او پرداخته شده است، همچنین به اقدامات او در زمان عهده‌دار شدن منصب صدرات و اصلاحاتی که در وزارت وظایف و اوقاف انجام داده، پرداخته شده است که از این جهت قابل توجه است.

- غلامحسین زرگرینژاد، رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت)، ج. ۱، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۴.

در این کتاب تعدادی از رسائل مشروطیت ذکر شده است. در بخشی از این کتاب در مورد ضعفهای وزارت اوقاف مطالبی ذکر شده است و راه‌حلهایی بیان شده ولی به طور موردی به موقوفات شهرها پرداخته نشده است.

- امید رضایی، " پنجاه و یک عریضه و حکم شرعی از علمای دوره‌ی قاجار درباره‌ی امور جاری موقوفات (۱۲۵۳ ق) ، معاونت فرهنگی اوقاف، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.

این کتاب مجموعه ای از عریضه‌ها و احکام شرعی مربوط به اوقاف در عصر قاجاریه است. این عریضه‌ها شامل درخواستهایی است که از شهرهای مختلف ایران از عالمان وفقیهان میشده و سؤالاتی که در باب موضوعات مربوط به وقف و موقوفات بوده پاسخ میدادند.

- مصطفی سلیمی فر، نگاهی به وقف و آثار اجتماعی و فرهنگی آن، بنیاد فارسیشناسی، شیراز ۱۳۷۵.

تحلیلی از ارزش وقف در حوزهی اقتصاد در جامعه است. در پنج فصل است، هم از احکام فقهی وقف و هم از موقوفات ایران گزارش داده است. تأکید او بر شناسایی آثار و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی وقف و نقش آن در بهبود وضعیت اقتصادی و روابط انسانی است. پایاننامه‌هایی هم در این زمینه موجود میباشد ولی به طور مستقیم به موضوع مربوط نیستند و اکثریت به بررسی کارکرد نهاد وقف در شهرهای مختلف پرداخته‌اند از جمله ؛

- " نهاد وقف در مازندران دوره قاجاریه با تکیه بر شهرهای ساری، بارفروش و آمل " ، مریم سراجی، راهنما دکتر نزهت احمدی، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۷.

در این پژوهش به کارکرد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نهاد وقف در سه شهر ساری، بارفروش و آمل پرداخته است.

از جمله تواریخ محلی فارس :

- فارس در عصر قاجار، حسن امداد، شیراز، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۷.

در این کتاب به وقایع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فارس در دوره قاجاریه پرداخته شده و مطالبی هم در مورد موقوفات در این کتاب یافت میشود.

- فارس در انقلاب مشروطیت، مسعود شفیعی سروستانی، با مقدمه عبدالرسول خیراندیش، شیراز، بنیاد فارسیشناسی، ۱۳۸۲.

در این کتاب وقایع فارس در انقلاب مشروطیت ذکر شده است که از لحاظ توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی مهم می باشد.

۱-۹- نقد منابع پژوهش :

۱- وقفنامهها :

منابع اصلی مورد استفاده در این رساله وقفنامهها و اسناد موجود در بایگانی اداری اوقاف و امور خیریهی شیراز مربوط به دورهی قاجاریه می باشد. در استفاده از وقفنامهها سعی شده است که از تمام وقفنامهها بهره برداری به عمل آید. اکثریت وقفنامهها و اسناد موجود در اداری اوقاف شیراز اصل وقف نامه نیستند بلکه کپی وقفنامهها هستند و تعدادی هم استشهادنامه، وصیتنامه و اقرارنامه در این اداره موجود می باشد. البته نمیتوان ادعا کرد که به تمام وقفنامه ها دست یافته ایم زیرا امکان دارد برخی از آنها در شهرهای دیگر و یا در دست افراد حقیقی و حقوقی قرار داشته باشند که یا از آن بیاطلاع بودهایم و یا امکان دسترسی به آن وجود ندارد. در این پژوهش مبنای اصلی کار کتاب آقای امید رضایی می باشد و خیلی از اسناد به دلیل عدم همکاری اداره اوقاف و امور خیریه شیراز مشاهده نشدند.

۲- منابع تاریخی:

در کنار اسناد وقفی، از منابع تاریخی به ویژه سفرنامههای فارس و تواریخ محلی فارس در این دوره استفاده شده است. البته شایان ذکر است که منابع پژوهش محدود به منابع ذکر شده نیست و در طول کار از بقیه منابع این دوره که به نحوی به پژوهش مربوط باشند حداکثر استفاده برده میشود.

از جمله این منابع :

- اعتمادالسلطنه، محمدحسنخان، تاریخ منتظم ناصری، ج. ۳، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۳.

این کتاب از سال اول هجری شروع میشود و تا دوره‌ی ناصری ادامه دارد. این کتاب به دلیل اطلاعات خوبی که در مورد ساختار وزارت وظایف و اوقاف و اجزای تشکیلهندهی آن و نشان دادن تحولات آن در دوره‌ی ناصری دارد حائز اهمیت بسیاری میباشد.

- حسینی فسایی، حاج میرزا حسن، فارسنامه ناصری، تصحیح دکتر منصور رستگار فسایی، امیرکبیر، شیراز، ۱۳۷۶.

این کتاب از جمله کتب معتبر و مهم محلی و در دو جلد میباشد که به بررسی اوضاع سیاسی و جغرافیایی فارس تا سال ۱۳۰۰ ه. ق میپردازد و حوادث روزگار خودش را به دقت به رشته تحریر درآورده است.

- خورموجی، محمدجعفر، حقایق‌الخبار، به کوشش حسین خدیو جم، بنیاد فارسیشناسی، شیراز، ۱۳۸۲.

او از دیوانیان شیراز بود که به دربار ناصرالدینشاه راه پیدا کرد و از او خواسته شد کتابی تاریخی بنویسد او این کتاب را در دو جلد نوشت که جلد اول وقایع سالهای ۱۱۳۳ ه. ق تا ۱۲۶۴ ه. ق را شامل میشود و جلد دوم از تاجگذاری ناصرالدینشاه و وقایع فارس شروع می شود. در این کتاب لحن مؤلف صریح میباشد و به نقد سیاسی و اجتماعی پرداخته شده است.

- دنیل و آرنلد، دو سفرنامه از جنوب ایران، به تصحیح سیدعلی آداود، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۸.

تألیف دو مهندس عصر قاجار در زمان محمدشاه و ناصرالدینشاه میباشد. این دو مهندس با سفر به جنوب ایران اطلاعات ارزشمندی از مسائل جغرافیایی، تجاری و اجتماعی فارس در اختیار ما قرار میدهند.

- سعیدی سیرجانی، وقایع اتفاقیه (مجموعه گزارشهای خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ - ۱۳۲۲ ه. ق)، نشرآسیم، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

از آنجایی که مؤلف خود در شیراز حضور داشته و وقایع را ماه به ماه و حتی بعضی اوقات روز به روز ذکر کرده است این کتاب حائز اهمیت می‌باشد.

- شیرازی، فرصتالدوله، آثارالعجم، نشر تاریخ ایران، شیراز، ۱۳۶۴.

او بعد از انقلاب مشروطیت به ریاست معارف فارس انتخاب شد در ضمن خاطرات خود اوضاع جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی این ایالت را ترسیم کرده و حکام فارس را معرفی نموده است چون نویسنده در شیراز بوده کتابش حائز اهمیت زیادی است.

- قاسمی پویا اقبال، مدارس جدید در دوره قاجاریه بانیان و پیشروان، مرکز نشر دانشگاهی، ج اول، تهران، ۱۳۷۷.

با توجه به اینکه دوره قاجاریه آغاز ارتباط ایران و غرب است، این کتاب حاوی اطلاعات مهمی در زمینه‌ی نحوه‌ی آشنایی می‌باشد. یکی از مظاهر جدید آشنایی با غرب ساخت مدارس می‌باشد که در دوره قاجاریه مدارس به شیوه جدید ساخته شد. شایان ذکر است در بین مدارس ذکر شده مدارسی که موقوفه داشته‌اند هم ذکر شده‌اند و به همین دلیل کتاب حائز اهمیت است.

- کلانتر محمد، روزنامه‌ی میرزا محمد کلانتر (شامل وقایع قسمتهای جنوبی ایران از سال ۱۱۴۲ ه.ق تا ۱۱۹۹ ه.ق)، بنیاد فارسیشناسی، شیراز، ۱۳۷۲.

وقایع حضور افغانها و افشاریان را شامل میشود. این کتاب یکی از اولین گزارشها را درباره‌ی مصادره‌ی موقوفات در پی فرمان نادرشاه در مورد موقوفات فارس ارائه میدهد.

- ملکم، سرجان، تاریخ ایران، به کوشش میرزا محمدعلی شیرازی، بنیاد فارسیشناسی، شیراز، ۱۳۶۷.

او در دوره فتحعلیشاه به ایران آمد و از سوی کمپانی هند شرقی مأمور منعقد کردن قرارداد تجاری با ایران بود این کتاب با وقایع ایران در دوره اسطوره شروع میشود و تا دوره‌ی